

## عنوان مقاله:

تحلیل خوانش مارتین هایدگر از نقد اول ایمانوئل کانت

## محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 9، شماره 16 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

## نویسندگان:

حمید اسکندری - دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی نویسنده مسئول

حسین کلباسی - استادگروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

## خلاصه مقاله:

مارتین هایدگر در کتاب کانت و مساله مابعدالطبیعه با چشم پوشی از تفاسیری که غالبا نقد عقل محض را یک پروژه معرفت شناسانه دانسته اند آن را به منزله اثری هستی شناسانه شرح می کند وی می کوشد تا معلوم کند که چگونه تمام پاره های این اثر کانت بامحوریت حیث زمانی به عنوان بستر شاکله سازی تخیل اصالتا به مسئله اساسی هستی متناهی انسان یادازاین به منزله شرط یا بنیان امکان دیگر موجودات ناظر است از نظر هایدگر ایمانوئل کانت همانا موسس هستی شناسی بنیادین دازاین است گرچه به سبب گرفتاری درغل و زنجیره سنت یا فرادش فلسفی به ویژه فلسفه دکارت در بدایت این طریق متوقف گشته و ازدامه آن بازمانده است بدینسان می توان گفت که به گمان هایدگر نقد عقل محض و هستی و زمان برادر خوانده یکدیگرند بدین معنا که هر دو از دغدغه ای واحد زاده اند و به راهی واحد گام نهاده اند در مقاله حاضر به ویژه با رجوع به کانت و مسئله مابعدالطبیعه و هستی و زمان منحصر و مختصرا به تحلیل و تشریح و ارزیابی این خوانش هستی شناسانه پرداخته ایم تابیینی کانت چگونه و به چه معنا موسس راه هستی شناسی بنیادین دازاین بوده و چرا و به کدامین جهت ازدامه آن بازمانده است در این راه ناگزیریم که رویکرد انتقادی ارنست کاسیرر به خوانش هایدگر از کانت را نیز اجمالا معرفی کنیم

## کلمات کلیدی:

کانت ، هایدگر ، تفسیر ، شاکله سازی ، زمانیت ، هستی شناسی بنیادین دازاین ، کاسیرر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/406662>

